

**Readings and Prayers, Maundy Thursday**

<p><b>Collect</b>          God our Father, you have invited us to share in the supper which your Son gave to his Church to proclaim his death until he comes: may he nourish us by his presence, and unite us in his love; who is alive and reigns with you, in the unity of the Holy Spirit, one God, now and for ever.</p>	<p>خداوند، پدر ما ما را دعوت کرده ای تا در این عشاء ربانی سهیم شویم عشایی که فرزندت آنرا به کلیسایت ارزانی داشت تا مرگش را قبل از آمدنش اعلام کند: باشد که ما را از وجودش تغذیه کند، و با عشق خودش ما را متحد کند؛ کسی که زنده است و با تو حکومت می کند، در وحدت روح القدس، خدایی یکتا، تا ابدالابد.</p>
<p><b>Exodus 12:1-4, (5-10), 11-14</b>          The LORD said to Moses and Aaron in the land of Egypt: This month shall mark for you the beginning of months; it shall be the first month of the year for you. Tell the whole congregation of Israel that on the tenth of this month they are to take a lamb for each family, a lamb for each household. If a household is too small for a whole lamb, it shall join its closest neighbour in obtaining one; the lamb shall be divided in proportion to the number of people who eat of it. This is how you shall eat it: your loins girded, your sandals on your feet, and your staff in your hand; and you shall eat it hurriedly. It is the Passover of the LORD. For I will pass through the land of Egypt that night, and I will strike down every firstborn in the land of Egypt, both human beings and animals; on all the gods of Egypt I will execute judgments: I am the LORD. The blood shall be a sign for you on the houses where you live: when I see the blood, I will pass over you, and no plague shall destroy you when I strike the land of Egypt. This day shall be a day of remembrance for you. You shall celebrate it as a festival to the LORD; throughout your generations you shall observe it as a perpetual ordinance.</p>	<p>وند در مصر به موسی و هارون فرمود: "از این پس باید این ماه برای شما اولین و مهمترین ماه سال باشد. پس به تمام قوم اسرائیل بگویند که هر سال در روز دهم همین ماه، هر خانواده‌ای از ایشان یک بره تهیه کند. اگر تعداد افراد خانواده‌ای کم باشد می‌تواند با خانواده کوچکی در همسایگی خود شریک شود، یعنی هر خانواده به تعداد افرادش به همان مقداری که خوراکش می‌باشد، سهم قیمت بره را بپردازد. "قبل از خوردن بره، کفش به پا کنید، چوبدستی به دست بگیرید و خود را برای سفر آماده کنید، و بره را با عجله بخورید. این آیین، پس‌خ خداوند خوانده خواهد شد. چون من که خداوند هستم، امشب از سرزمین مصر گذر خواهم کرد و تمام پسران ارشد مصریان و همه نخست‌زاده‌های حیوانات ایشان را هلاک خواهم نمود و خدایان آنها را مجازات خواهم کرد. خونی که شما روی تیرهای در خانه‌های خود می‌پاشید، نشانه‌ای بر خانه‌هایتان خواهد بود. من وقتی خون را ببینم از شما می‌گذرم و فقط مصریان را هلاک می‌کنم. "هر سال به یاد بود این واقعه برای خداوند جشن بگیرید. این آیینی ابدی برای تمام نسلهای آینده خواهد بود.</p>
<p><b>Psalms 116:1-2, 12-19</b>          I love the LORD, because he has heard my voice and my supplications. Because he inclined his ear to me, therefore I will call on him as long as I live. What shall I return to the LORD for all his bounty to me? I will lift up the cup of salvation and call on the name of the LORD, I will pay my vows to the LORD in the presence of all his people. Precious in the sight of the LORD is the death of his faithful ones. O LORD, I am your servant; I am your servant, the child of your serving girl. You have loosed my bonds. I will offer to you a thanksgiving sacrifice and call on the name of the LORD. I will pay my vows to the LORD in the presence of all his people, in the courts of the house of the LORD, in your midst, O Jerusalem. Praise the LORD!</p>	<p>خداوند را دوست می‌دارم زیرا ناله و فریاد مرا می‌شنود و به درخواست من گوش می‌دهد، پس تا آخر عمر، نزد او دعا خواهم کرد اما اینک در برابر همه خوبیهایی که خداوند برای من کرده است، چه می‌توانم به او بدهم؟ هدیه نوشیدنی به حضور خداوند خواهم آورد تا از او تشکر نمایم که مرا نجات داده است. در حضور قوم او نذرهای خود را به خداوند ادا خواهم کرد. جان‌های مقدسان خداوند نزد او عزیزند، پس او نخواهد گذاشت آنها از بین بروند. ای خداوند، من بنده تو و پسر کنیز تو هستم. تو مرا از چنگ مرگ رها ساختی. قربانی شکرگزاری را به حضورت تقدیم می‌کنم و نام تو را گرامی می‌دارم. در حضور تمام مردم اسرائیل و در خانه تو که در اورشلیم است، نذرهای خود را ادا خواهم نمود. خداوند را سپاس باد!</p>
<p><b>1 Corinthians 11:23-26</b>          For I received from the Lord what I also handed on to you, that the Lord Jesus on the night when he was betrayed took a loaf of bread, and when he had given thanks, he broke it and said, "This is my body that is for you. Do this in remembrance of me." In the same way he took the cup also, after supper, saying, "This cup is the new covenant in my blood. Do this, as often as you drink it, in remembrance of me." For as often as you eat this bread and drink the cup, you proclaim the Lord's death until he comes.</p>	<p>این است آنچه خود خداوندمان عیسی مسیح درباره این شام فرموده است و من هم قبلاً آن را به شما تعلیم داده‌ام: خداوند ما عیسی، در شبی که یهودا به او خیانت کرد، نان را بدست گرفت، و پس از شکرگزاری، آن را پاره کرد و به شاگردان خود داد و گفت: "این را بگیرید و بخورید. این بدن من است که در راه شما فدا می‌کنم. این آیین را به یاد من نگاه دارید." همچنین پس از شام، پیاله را بدست گرفت و فرمود: "این پیاله، نشان پیمان تازه‌ای است میان خدا و شما، که با خون من بسته شده است. هرگاه از آن می‌نوشید، بیاد من باشید." به این ترتیب، هر بار که این نان را می‌خورید و از این پیاله می‌نوشید، در واقع این حقیقت را اعلام می‌کنید که مسیح برای نجات شما، جان خود را فدا کرده است. پس تا زمان بازگشت خداوند، این آیین را نگاه دارید.</p>

**John 13:1-17, 31b-35**

Now before the festival of the Passover, Jesus knew that his hour had come to depart from this world and go to the Father. Having loved his own who were in the world, he loved them to the end. The devil had already put it into the heart of Judas son of Simon Iscariot to betray him. And during supper Jesus, knowing that the Father had given all things into his hands, and that he had come from God and was going to God, got up from the table, took off his outer robe, and tied a towel around himself. Then he poured water into a basin and began to wash the disciples' feet and to wipe them with the towel that was tied around him. He came to Simon Peter, who said to him, "Lord, are you going to wash my feet?" Jesus answered, "You do not know now what I am doing, but later you will understand." Peter said to him, "You will never wash my feet." Jesus answered, "Unless I wash you, you have no share with me." Simon Peter said to him, "Lord, not my feet only but also my hands and my head!" Jesus said to him, "One who has bathed does not need to wash, except for the feet, but is entirely clean. And you are clean, though not all of you." For he knew who was to betray him; for this reason he said, "Not all of you are clean."

After he had washed their feet, had put on his robe, and had returned to the table, he said to them, "Do you know what I have done to you? You call me Teacher and Lord--and you are right, for that is what I am. So if I, your Lord and Teacher, have washed your feet, you also ought to wash one another's feet. For I have set you an example, that you also should do as I have done to you. Very truly, I tell you, servants are not greater than their master, nor are messengers greater than the one who sent them. If you know these things, you are blessed if you do them.

When he had gone out, Jesus said, "Now the Son of Man has been glorified, and God has been glorified in him. If God has been glorified in him, God will also glorify him in himself and will glorify him at once. Little children, I am with you only a little longer. You will look for me; and as I said to the Jews so now I say to you, 'Where I am going, you cannot come.' I give you a new commandment, that you love one another. Just as I have loved you, you also should love one another. By this everyone will know that you are my disciples, if you have love for one another."

**Prayer after Communion**

Lord Jesus Christ,  
we thank you that in this wonderful sacrament  
you have given us the memorial of your passion:  
grant us so to reverence the sacred mysteries  
of your body and blood  
that we may know within ourselves  
and show forth in our lives  
the fruit of your redemption,  
for you are alive and reign, now and for ever. Amen.

شب "عید پَسَح" فرا رسید و عیسی با شاگردان خود بر سر سفره شام نشست. عیسی می‌دانست که این آخرین شب عمر او بر زمین است و بزودی نزد خدای پدر به آسمان باز خواهد گشت، بنابراین محبت خود را به کمال به شاگردانش نشان داد. شیطان که یهودای اِسخریوطی (پسر شمعون) را از قبل فریب داده بود تا به عیسی خیانت کند، در وقت شام به فکر او انداخت تا در همان شب نقشه خود را عملی سازد. عیسی می‌دانست که خدا اختیار همه چیز را به دست او سپرده است و از نزد خدا آمده و بار دیگر به نزد او باز می‌گردد. پس، از سرشام برخاست، لباس خود را در آورد، حوله‌ای به کمر بست، آب در لگن ریخت و به شستن پاهای شاگردان و خشک کردن آنها با حوله پرداخت.

وقتی به شمعون پطرس رسید، پطرس به او گفت: "استاد، شما نباید پاهای ما را بشویید." عیسی جواب داد: "الکون علت کار مرا درک نمی‌کنی؛ ولی یک روز خواهی فهمید."

پطرس باز اصرار کرد: "نه، هرگز نمی‌گذارم شما پاهای مرا بشویید." عیسی فرمود: "اگر نگذاری، رابطه‌مان قطع می‌شود." پطرس باعجله گفت: "پس حالا که اینطور است، نه فقط پا، بلکه دست و صورتم را نیز بشویید." عیسی جواب داد: "کسی که تازه حمام کرده، فقط کافی است که پاهای خود را بشوید تا تمام بدنش پاکیزه شود. شما نیز پاکیزه ولی نه همه." چون عیسی می‌دانست چه کسی به او خیانت خواهد کرد؛ از این جهت گفت که همه شاگردان پاک نیستند. پس از آنکه پاهای شاگردان خود را شست، لباس خود را پوشید و سر میز شام نشست و پرسید: "ایا فهمیدید چرا این کار را کردم؟ شما مرا استاد و خداوند می‌خوانید، و درست می‌گویید چون همینطور نیز هست. حال، اگر من که خداوند و استاد شما هستم، پاهای شما را شستم، شما نیز باید پاهای یکدیگر را بشویید. من به شما سرمشقی دادم تا شما نیز همینطور رفتار کنید. چون مسلماً خدمتکار از اربابش بالاتر نیست و قاصد نیز از فرستنده‌اش مهم‌تر نمی‌باشد. در زندگی، سعادت در این است که به آنچه می‌دانید، عمل کنید."

به محض اینکه یهودا از اطاق خارج شد، عیسی فرمود: "وقت من تمام شده است. بزودی جلال خدا مرا فرا خواهد گرفت و آنچه برای من پیش می‌آید، باعث جلال و ستایش خدا خواهد شد. خدا نیز بزودی بزرگی و جلال خود را به من خواهد داد. ای فرزندان من که برایم بسیار عزیز هستید، چقدر این لحظات کوتاهند. بزودی باید شما را بگذارم و بروم. آنگاه همانطور که به سران قوم یهود گفتم، همه جا بدنبال من خواهید گشت، اما مرا نخواهید یافت و نخواهید توانست به جایی که می‌روم، بیایید." پس حال، دستوری تازه به شما می‌دهم: یکدیگر را دوست بدارید همانگونه که من شما را دوست می‌دارم. محبت شما به یکدیگر، به جهان ثابت خواهد کرد که شما شاگردان من می‌باشید."

عیسی مسیح خداوند،  
از تو سپاسگزاریم که در این آیین دینی شگفت انگیز  
یادبود عشقت را به ما ارزانی داشتی:  
ما را یاری کن که به تکریم اسرار مقدس  
بدنت و خونت  
بتوانیم درون خود را بشناسیم  
و در زندگیمان  
میوه رستگاریت را به نمایش بگذاریم،  
بواسطه تو که زنده ای و حکومت می‌کنی، تا ابد الاباد.